

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم
شماره اول (پیاپی ۲۱)، بهار ۱۳۹۳، ص ۱۷-۳۸

منصب داروغه در دوره قاجار (۱۲۱۲ تا ۱۳۱۳ق/۱۷۹۶ تا ۱۸۹۶م)

شهرام یوسفی فر* - حسن شکرزاده**

چکیده

داروغه از مناصب حکومتی است که از دوره تیموری تا پایان عصر قاجار، در قالب اشکال مختلف چون داروغه دفترخانه، داروغه ایلات و داروغه شهر وجود داشت. این منصب از دوره تیموری تا قاجار، به تناوب دارای اختیارات سیاسی و قضایی شد. داروغه به عنوان حاکم شهر یا ایالت، معمولاً با مقوله نظم و امنیت عمومی جامعه در ارتباط بود. این منصب در دوره قاجار تا پایان عصر ناصری (۱۲۱۲ تا ۱۳۱۳ق/۱۷۹۶ تا ۱۸۹۶م) همچنان نقش اساسی، در تامین نظم و امنیت عمومی جامعه داشت. در این مقاله برآنیم تا به این پرسش پردازیم که در این دوره، داروغه از چه ساختاری برخوردار بود؟ کارکردهای این منصب، تا چه اندازه در تداوم کارکردهای پیشین بود و تا چه میزان این کارکردها دچار دگرگونی شد؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق تلاش کرده‌ایم به روش توصیفی تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی، به بررسی تحولات منصب داروغه در دوره قاجار پردازیم. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد در این دوره در مقایسه با ادوار پیش، منصب داروغه از نظر ساختار و محتوا دچار تغییر شد و تا حد چشمگیری تنزل یافت؛ اما اهمیت و نفوذ خود را در امور عمومی نظم و امنیت جامعه که مهم‌ترین کارکرد آن بود، حفظ کرد. داروغه از اواخر دوره ناصری به تدریج با تنزل جایگاه مواجه شد. علت این امر شتاب‌گیری روند نوسازی و تجدد متاثر از غرب و ورود برخی نهادهای نظامی جدید تامین‌کننده نظم عمومی بود؛ سرانجام نیز در سال‌های پایانی دوره قاجار و آغاز عصر پهلوی به کلی از میان رفت.

واژه‌های کلیدی

داروغه، داروغگی، نظم، امنیت، اداره شهر.

* استاد تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسئول) hasanshokrzhadeh01@gmail.com

مقدمه

دوره قاجار، بیشتر تا دوره ناصری نقش پررنگ و تاثیرگذار داشت؛ پس، در پژوهش حاضر تحولات منصب داروغه را از ابتدای دوره قاجار تا پایان عصر ناصری پی گرفته‌ایم. در این مقاله، برآنیم تا به این پرسش پردازیم که در این دوره منصب داروغه از چه ساختاری برخوردار بود؟ کارکردهای آن تا چه اندازه، در تداوم کارکردهای پیشین این منصب بود و تا چه میزان این کارکردها دچار دگرگونی شد؟ فرضیه اصلی نیز به این قرار است: منصب داروغه در دوره قاجار، ادامه منصبی بود که در ادوار تیموری و صفوی با قدرت سیاسی و مالی و قضایی همراه بود؛ ولی به علت تحولات ناشی از تاثیر تمدن غرب و نیز شیوه حکومتی قاجارها، این منصب در شکل‌های مختلف آن تضعیف و در نهایت، با جایگزینی نهادها و موسسات مدرن نظامی و دولتی به تدریج از عصر مشروطه به بعد ناپدید شد. پژوهش حاضر براساس روش تحقیق تاریخی، کتابخانه‌ای آرشیوی و با مطالعه دقیق تمام منابع دوره قاجار اعم از سفرنامه‌های داخلی و خارجی، اسناد و سایر منابع مکتوب چون آثار ادبی و نشریات تهیه شده است. تاکنون پژوهش مستقلی، در باب تبیین منصب داروغه در دوره قاجار انجام نشده است. تحقیقاتی که خانم لمبتون و ویلم فلور راجع به این منصب انجام داده‌اند حاوی اطلاعات مهمی است؛ اما تنها تصویری کلی از روند دگرگونی منصب داروغه ارائه می‌دهد. محققان ایرانی نیز در آثار خود، یا به این موضوع توجه نکرده یا به تکرار مباحث نویسندگان و سیاحان خارجی پرداخته‌اند؛ مثلاً در کتاب‌هایی چون تاریخ اجتماعی ایران دوره قاجار، تالیف غلامرضا وهرام و نهاد دادرسی و نظام قضایی ایران از حکومت افشاریه تا انقلاب مشروطه، تالیف محمد طیبی و... چنین رویه‌ای دیده می‌شود. اخیراً شهرام یوسفی‌فر و محمد بختیاری مقاله‌ای با عنوان داروغه در دوره

داروغه واژه‌ای است که ریشه مغولی‌ترکی دارد و از دوره مغول به بعد، در سلسله مراتب مناصب حکومتی ایران شیوع یافت. این اصطلاح در متون تاریخی عهد تیموری تا قاجاریه ناظر به نوعی قدرت و اقتدار عالی، در حوزه سیاسی و مالی بود. در معنای کاربردی، منظور از این واژه انتصاب فردی به عنوان ناظر مالی و سیاسی یک شهر یا ایالت، با اختیارات ویژه‌ای بود که این اختیارات را سلطان مستقیماً به وی می‌داد. در سلسله مراتب مناصب حکومتی ایران، منصب داروغه به عنوان ناظر مالی و عامل برقراری نظم در دستگاه دیوانسالاری، با عنوان داروغه دفترخانه و زیر نظر مستوفی‌الممالک فعالیت می‌کرد؛ همچنین به عنوان ناظر نظم عمومی، در اماکن شهری و نیز در بین ایلات و عشایر بود. به نظر می‌رسد تا پایان عصر صفوی، این اصطلاح نام عمومی حکام و به‌خصوص لقب حاکم اصفهان بود. از نظر ساختار و ماهیت، منصب داروغه از اواخر عصر صفوی به تدریج، شماری از اختیارات و وظایف مهم خود، در زمینه مالی و سیاسی را از دست داد و همراه مناصبی چون کلانتر و کدخدا و نظایر آن، به امور خاصی در زمینه برقراری نظم و امنیت عمومی محدود شد؛ در نتیجه از میزان اهمیت و نفوذ آن، به شکل درخور ملاحظه‌ای کاسته شد. در عصر تیموری و صفوی، داروغه‌ها بیشتر از بین طبقات اشراف نظامی انتخاب می‌شدند؛ اما از دوره قاجاریه، از لایه‌های فروتر و نسبتاً گمنام جامعه برگزیده می‌شدند؛ ولی هنوز نقشی تاثیرگذار، در مسائل عمومی نظم و امنیت جامعه ایفا می‌کردند. مقاله حاضر به بررسی منصب داروغه، در جامعه ایران عصر قاجار و تبیین ساختار و کارکردهای مهم آن در دوره قاجار می‌پردازد. به علت تحولات مربوط به نوسازی و ورود پدیده‌های مدرن غربی، در زمینه قضایی و نظامی منصب داروغه در

صفویه، منتشر کرده‌اند که برعکس مطالب چاپ‌شده ایرانی، با رویه و دید جدیدی توانسته است اطلاعات تازه و منحصر به فردی ارائه کند.

پیشینه داروغه

واژه داروغه از دوره تیموری تا پایان قاجاریه، جزو مناصب و اصطلاحات رایج در تشکیلات حکومتی ایران بود. با توجه به دگرگونی‌هایی که در ادوار مختلف، در مفهوم و کارکردهای داروغه روی داده است ارائه تعریفی مشخص و دقیق از داروغه امکان‌پذیر نیست. این واژه در ابتدا و در نزد مغولان، به معنای رئیس و نماینده شخص سلطان یا خان بزرگ در ممالک فتح‌شده بود. در ادوار پس از دوره تیموری و صفوی، جایگاه سیاسی داروغه تضعیف یافت. از این زمان، داروغه به عنوان منصبی حکومتی برگزیده از سوی حکام مسئولیت عمومی شهرها و دستگاه دیوانی دولت را برعهده داشت و به ایفای نقش می‌پرداخت. گفتنی است واژه داروغه در بین اقوام مغول و شعبه‌های آن رایج بود؛ اما استفاده از این واژه و رواج آن، در دوره تیموری بود. در منبعی چینی به نام افسانه نهران، اشاره‌هایی بر به کارگیری این واژه و وظایف آن، در بین مغولان شده است؛ براساس آن «در سال ۶۱۸ ق/ ۱۲۲۱ م، در المالیغ سوای امیر بوقی، داروخچی [داروغچی] مغول، یعنی نماینده رئیس امپراتوری نیز وجود داشت. وظایف داروخچی به این شرح ذکر شده است: سرشماری ساکنان، لشکرگیری از بومیان، سازمان‌دادن ارتباطات پستی، گردآوری و وصول مالیات، رساندن و ایصال خراج و مالیات به دربار» (بارتولد، ۱۳۶۶: ۸۳۷/۲). طبق این گزارش، وظایف داروغه نوعی اختیارات وسیع مالی و نظامی بود و داروغه را به عنوان نماینده خان بزرگ، در مناطق فتح‌شده معرفی می‌کند. نظر به کاربرد برخی واژه‌های

مغولی چون یارغو، باسقاق، بیتکچی، یاساق و نوبان و... در ادبیات دیوانیان و مورخان دوره مغول، اشاره‌نکردن به واژه داروغه قدری تامل‌برانگیز است. اولین اشاره‌ها به واژه داروغه، در دوره تیموری مربوط به سال ۷۸۱ ق، در جریان ذکر وقایع ایام ظهور تیمور در ایران است. چنان‌که در سال ۷۸۱ ق و در جریان فتح خوارزم، اولین بار عنوان داروغه ذکر می‌شود: «... حضرت صاحبقران متعینان خوارزم را کوچانده امیر شیخ‌علی بهادر را در خوارزم داروغه گذاشت» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۱۹/۲). اهمیت سیاسی و نظامی منصب داروغه، در دوره تیموری، از آن جهت است که عموماً داروغه‌ها را شخص سلطان یا از بین خاندان سلطان یا از اشراف نظامی انتخاب و منصوب می‌کردند. به نظر می‌رسد در این دوره، داروغه گه‌گاه معنایی معادل با حاکم و نماینده سیاسی شخص سلطان یافت. «... و [امیر تیمور] تموک قوچین برادر کبکچی یورتچی را داروغگی یزد داد و لالم قورچی را داروغگی ابرکوه عنایت فرمود» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۶۷۰). تامل در القاب داروغه‌های این دوره، حکایت از آن دارد که آنان بیشتر از میان سپاهیان برگزیده می‌شدند. منصب داروغه در دوره ترکمانان نیز، تداوم وضعیت دوره تیموری بود. از جمله جهان‌شاه قره‌قویونلو در جریان فتح خراسان، داروغه‌ای برای شهر هرات تعیین کرد: «... و پیشتر امیر پیرزاده بخاری را که از امرای میرزا سلطان محمد بود به داروغگی تعیین نموده به جانب شهر روان فرمود» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۸۲۹). در این جا نیز دارنده منصب داروغه یک نفر از امرا و اشخاص مهم نظامی است که به جهت ماهیت نظامی‌گرایانه حکومت‌های این دوره، جزو معتمدان و خلوتیان دربار و سلطان قرار می‌گیرند. در آغاز قرن دهم هجری، با استقرار دولت صفویه منصب داروغه همچنان قدرت و اقتدار پیشین خود را حفظ کرد. منابع و متون دوره صفوی نام

مروزی، به عنوان داروغه دفترخانه همایون که در عین تبحر در علم حساب، در زمینه شعر و شاعری و نیز تالیفات تاریخی تبحر داشته است. چنان‌که کتابی به نام تاریخ جهان‌گشای مروزی، با نثری متکلف و آمیخته به صنایع ادبی، در ذکر وقایع دوران سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار به رشته نگارش درآورد. منصب وقایع‌نگاری نیز از جمله مناصبی بود که به عهده مروزی گذاشته شده بود (هدایت، ۱۳۸۰: ۸۱۰۵/۱۴؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۷۵). منصب داروغه حداقل تا اواخر دوره ناصری، همچنان در تشکیلات اداری قاجار وجود داشت؛ زیرا براساس اخباری، در سال ۱۲۹۱ق/۱۸۷۲م، «میرزا محمدحسین وقایع‌نگار مستوفی و داروغه دفترخانه خاص» شد که قبلاً پدران وی این منصب را داشتند (شرف، محرم ۱۳۰۵ق: شماره ۵۴). یا اعتمادالسلطنه در کتاب الماثر و الاثار، در ذکر مناصب و مقام‌های مهم دوره ناصری «جزو اداره محاسبات ولایات و نظم دفترخانه مبارکه و تحصیل بقایای حکام از میرزاتقی‌خان، داروغه دفتردار» نام برده است (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۲۸). به نظر می‌رسد شرط مهم تصدی منصب داروغگی دفتر همایون یا دفترخانه همایونی، آشنایی با رموز نویسندگی و علم حساب بوده است. در منابع و متون عصر قاجار، از این منصب جز آنچه اشاره شد ذکری به میان نیامده است و جزئیات و وظایف این منصب، براساس توضیحات مناصب و مشاغل عصر صفوی است که علی‌رغم تمایز شیوه کشورداری قاجارها با صفویان، قاجارها از آن استفاده کرده‌اند (تذکره‌الملوک، ۱۳۷۶: ۷۶).

داروغه ترکمانان

در دوره قاجار، می‌توان گروهی دیگر از داروغه‌ها را یافت که همانند دوره صفوی و تیموری، در میان

تعدادی از افراد و رجال سیاسی و نظامی را که به سمت داروغگی گمارده شده‌اند ذکر کرده‌اند. (برای اطلاع بیشتر در زمینه نقش و جایگاه داروغه در عصر صفوی ر.ک: یوسفی‌فر و بختیاری، «داروغه در دوره صفویه» مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی، ش ۳، پاییز ۱۳۹۰).

شکل‌های مختلف منصب داروغه در دوره قاجار

داروغه دفترخانه مبارکه

در دوره قاجاریه همانند دوره صفویه، گروهی از داروغه‌ها در امور دیوانی فعالیت می‌کردند و با عنوان «داروغه دفترخانه مبارکه یا فراشخانه» مسئول رسیدگی به امور و دعوای دیوانخانه دولتی بودند. آنان همچنین، وظیفه تامین نظم در میان دیوانیان را داشتند؛ علاوه برآن، همانند دوره صفویه او پشت تمام دستورها و رقم‌ها را که در رابطه با انتصابات، تنخواه، تیول‌ها و ... بود مهر می‌زد و با رسیدگی به صورت حساب‌ها و مالیات‌های واصله، از ضابطان و مباشران عایدات دولتی بازخواست می‌کرد (تذکره‌الملوک، ۱۳۷۶: ۳۹). همچنین براساس نوشته تاورنیه، داروغه دفترخانه تمام افراد دغلی را که رسیده‌های جعلی عرضه کرده یا زیاده‌ستانی می‌کردند تنبیه می‌کرد و گوشمالی می‌داد (لمبتون، ۱۳۸۵: ۱۵۷). در اوایل دوران قاجار، برخی از دارندگان منصب داروغه دفترخانه همایون از شعرا و ادیبان بودند. چنان‌که در عهد فتحعلی‌شاه قاجار شاعری به نام میرزاسیدمحمد سحاب اصفهانی با تقرب به دربار خاقان صاحب‌قران، مفتخر به «داروغگی دفتر و لقب مجتهدالشعرايي مخصوص شد و وی کسی بود که علاوه بر شاعری بر علم عروض و قافیه و حساب و طب استحضاری تمام داشته و سال‌ها به مداحی خاقان قاجار همت گماشته تا در سنه ۱۲۲۲ق که رحلت کرد (هدایت، ۱۳۳۹: ۱۲۷/۱۰). یا انتصاب میرزاصادق

مالیاتی و دیوانی می‌باشد» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۸۳۹/۲). ظاهراً اهمیت استرآباد و نیز مسئله درگیری‌ها و ناآرامی ترکمانان در این منطقه، عاملی بود که از ابتدای دوره قاجار، دربار داروغه‌های این منطقه را با اختیارات حاکم شهر و از میان افراد خاندان قاجار برمی‌گزید. به نظر می‌رسد این دسته از داروغه‌ها، تا تحولات مشروطیت و حتی پس از آن، همچنان وجود داشتند. تنها با ظهور رضاخان و تشکیل ارتش مدرن و سرکوب‌گر، در نواحی ایلی و عشایری وظایف داروغه ترکمانان به ارتش منتقل شد.

منصب داروغه شهر

مقایسه داروغه شهر در دوره قاجار با دوره صفوی

داروغه شهر در دوره قاجار، از نظر کارکرد و وظایف، دنباله همان داروغه دوره صفویه بود. البته با این تفاوت که در دوره صفویه، داروغه شهر از اشخاص متنفذ و اشراف درجه یک برگزیده می‌شد؛ درحالی‌که در دوره قاجار این‌گونه نبود. مهم‌ترین وظایف داروغه اصفهان مراقبت از داخل و بیرون شهر و جلوگیری از سرقت و اعمال خلاف شرع و نیز مجازات کسانی بود که مرتکب این‌گونه اعمال می‌شدند (میرزاسمعی، ۱۳۷۸: ۴۸). تفاوت عمده داروغه شهر عصر صفوی و داروغه دوره قاجار، در حدود اختیارات قضایی و جایگاه خانوادگی متصدیان شغل داروغه شهر بود. داروغه عصر صفوی به علت آنکه زیر نظر دیوان‌بیگی بود، دارای اختیارات قضایی بود و مانند آنچه درباره داروغه اصفهان صدق می‌کرد شکل موروثی داشت و از خانواده‌های اشرافی و سلطنتی انتخاب می‌شد (تذکره‌الملوک، ۱۳۷۸: ۱۵۳). درعین حال، داروغه دوره صفوی دارای قدرت سیاسی بود و گاه، در حکم حاکم یک شهر یا ایالت نیز دارای اختیار بود. اما داروغه دوره

ترکمانان بودند. آنان را حکومت نصب می‌کرد تا ضمن جمع‌آوری مالیات و وجوهات دیوانی، از ایلات ترکمن برای اطاعت از دستورات حکومتی مراقبت کنند. البته این منصب از قرار معلوم اختصاص به ایلات و قبایل ترکمان ساکن نواحی استرآباد و گرگان داشت و در متون عصر قاجار، در ارتباط با ایلات یا قبایل دیگر داروغه تعیین نشده است. داروغه ترکمانان کسی بود که از سوی دربار، ضمن عهده‌دارشدن حکومت استرآباد، بر جریان امور دیوانی و مالیاتی ترکمانان یموت و گوکلان در دوره قاجار نظارت می‌کرد. در ابتدای حکومت قاجار، تعیین منصب داروغه ترکمانان همراه با حکومت استرآباد را دربار و شاه انجام می‌داد. در بیشتر منابع دوره قاجار، اشاره‌های فراوانی به منصب داروغه ترکمانان شده است؛ به عنوان نمونه عبدالرزاق دنبلی در اثر خود، اثرسلطانیه در ذکر شورشی «خبر طغیان محمدزمان خان قاجار عزالدینلوی، حاکم استرآباد و داروغه ترکمانان» را بیان می‌کند (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). یا رضاقلی خان هدایت، از مورخان اوایل قاجاری که تا سال ۱۲۶۸ق تحولات و حوادث دوره قاجار را در کتاب فهرس‌التواریخ نگاشته است، در اشاره به شورش یوسف‌خواجه کاشغری، از قتل «میرزاعلی نقی‌خان فندرسکی» داروغه گوکلان به دعوت مزورانه او، در سال ۱۲۲۸ق/ ۱۸۱۴م ذکر می‌کند (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۶۵). در عهد ناصری، براساس گزارش‌های روزنامه وقایع اتفاقیه، از داروغه ترکمانان یاد شده است که در این دوره برخلاف اوایل قاجاریه، حاکم و ایلخانی طوایف گوکلان و یموت داروغه ترکمانان را نصب می‌کردند: «انتظام امور طوایف گوکلان و یموت از حسن مراقبت مقرب‌الخاقان جعفرقلی خان ایلخانی که امیر گونه‌خان خواهرزاده خود را در این روزها داروغه طایفه یموت کرده است و به میان طوایف مزبور فرستاده مشغول دادوستد

قاجار، از این لحاظ فاقد قدرت و نفوذ سیاسی بود و از نظر تشکیلاتی نیز، شواهد چندانی در دست نیست که نشان دهد داروغه در این دوره، همانند دوره صفوی تحت نظر دیوان‌بیگی و در برابر آن پاسخگو بود؛ بلکه بیشتر به عنوان یک منصب پایین‌رتبه، زیر نظر حاکم یا اجزای او قرار داشت. در دوره قاجار، برای تامین امنیت عمومی جامعه شبکه وسیعی از مناصب حکومتی وجود داشت که داروغه یکی از این عوامل تامین امنیت بود. زیرا در کنار داروغه شهر، سایر مناصب مرتبط به امور شهر چون حاکم و زیردستان وی، دیوان‌بیگی، کلانتران و کدخدایان به امر تامین نظم و امنیت در مراکز شهری مشغول بودند. وظیفه داروغه در حوزه امنیت عمومی، تامین امنیت مردم و تجاوز نکردن به طبقات مختلف مردم به همراه سایر عوامل دخیل در تامین امنیت عمومی جامعه بود. گاه بسته به موقعیت هر شهر و مکان و نیز جایگاه سیاسی حاکمان آن، اهمیت جایگاه منصب داروغه در برابر مناصب دیگری چون کلانتر و کدخدا و سایر اجزای دستگاه حکومتی حاکم تغییر می‌کرد. وظایف داروغه و اهمیت اهتمام داروغه، در رعایت شرایط و اصول منصب داروغگی امری بود که در فرمان انتصاب داروغه ذکر می‌شد. در صورت حسن‌معاشرت و رفتار خوب، داروغه را با دادن القاب و عناوینی تشویق می‌کردند. چنان‌که محمدشاه قاجار در سال ۱۲۵۲ق/۱۸۳۵م، در فرمانی داروغه دارالخلافه تهران را به علت اهتمام در رعایت حال رعیت و تعدی نکردن به مردم تشویق کرده و به لقب خانی مفتخر کرد (سازمان اسناد ملی، ۱۲۵۲ق: سند شماره ۲۹۵/۳۱۰). داروغه شهر در مواجهه با هرگونه بی‌قانونی و خلافکاری مراتب را باید ابتدا به اطلاع حاکم یا اجزای دارالحکومه می‌رساند؛ همچنین در صورت کشف هرگونه جرم و جنایتی، باید عامل یا

عاملان آن را برای رسیدگی و مجازات معمول به نزد حاکم می‌فرستاد. البته در این باره، کدخدایان و روسای محلات شهر به همراه اجزای داروغه موقع شب به گشت‌زنی می‌پرداختند و هرگونه گزارشی را به داروغه می‌دادند. او نیز در صورت مواجهه با اعمال خلاف، مقصر را دستگیر می‌کرد و برای تعیین و اجرای مجازات به حاکم یا اجزای او می‌سپرد؛ مانند «کشف یک فقره زنا در شهر خوانسار، توسط داروغه و دادن گزارش این عمل خلاف به شاهزاده احمد میرزا و مجازات آن فرد به دستور حاکم شهر در سال ۱۲۶۸ق/۱۸۵۲م» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۷۸/۱). در برخی شهرهای مهم، چون تهران و تبریز داروغه آخرین مرتبه از مقامات مسئول، در رسیدگی به امور عمومی نظم و امنیت بود؛ به عنوان نمونه در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۱م، در تهران و در ایام لیالی قدر کلانتر و کدخدایان شهر و گزرها و داروغه مسئولیت مراقبت از مساجد و تکایا و سرگذرها را داشتند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۵۵/۱). در تبریز حفظ نظم و امنیت و رعایت مسائل اخلاقی و شرعی، از وظایف مهمی بود که باید بیگلربیگی و کدخدایان و داروغه شهر، بر آن اهتمام و سعی می‌کردند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۳/۲۲۵۸). به نظر می‌رسد در دوره ناصری، در تهران قدرت و نفوذ مناصبی چون وزیر منصوب حاکم و کلانتر و کدخدایان محلات، به مراتب بیشتر و مهم‌تر از منصب داروغه بوده است. نیاوردن نام داروغه، در گزارش‌ها و اخبار منابع و روزنامه‌های این دوره، به‌خصوص در مراسم رسمی دربار را می‌توان علتی برای مدعا دانست. به عنوان مثال، در مراسم عید قربان سال ۱۲۷۴ق/۱۸۵۸م، در تهران قربانی کردن شتر «با حضور اشرف والا شاهزاده محمدتقی میرزا حکمران دارالخلافه و آمدن مقرب‌الخاقان میرزاموسی وزیر

بر جریان نظم عمومی شهر به بازار نیز نظارت می‌کردند. کمااینکه در بسیاری اوقات، این کار را سایر مناصب نظیر بیگلربیگی، کلانتر، کدخدای شهر و حتی کارگزاران دیوانی و مالی دستگاه حکومتی حاکم ایالت انجام می‌داند و داروغه‌ها در این مسائل، با این مناصب همکاری و مشارکت می‌کردند.

دیدگاه منابع خارجی به منصب داروغه شهر

داروغه هر شهر به علت ارتباط مداوم و مستمر، با اصناف و طبقات مردم، همواره از نظر طرز رفتار و معاشرت با قضاوت‌های عموماً منفی روبه‌رو بود. چنین طرز تلقی از داروغه شهر، بر دیدگاه و تفسیر محققان خارجی و نیز ماموران خارجی وارد شده به ایران تاثیر فراوان گذاشت. این افراد بیش از هر شغل و منصب دست‌اندرکار نظم و امنیت جامعه، داروغه شهر و اجزای داروغه‌خانه را موثر می‌دانستند و از دیگر اجزای تامین‌کننده نظم شهر، چون کلانتر و کدخدایان غافل می‌شدند. گاسپار دروویل (معادل لاتین نام) فرانسوی که در دوران فتحعلی‌شاه از ایران دیدن کرده است، درباره عملکرد داروغه شهر در اوایل قاجار، به قدرت و اقتدار فزاینده داروغه‌ها در بازارها و تعدیات فراوان داروغه‌ها به اصناف مردم، به‌خصوص بازاریان و تجار باور داشت. وی معتقد بود که اداره بازار بر عهده داروغه است و در آنجا قضاوت می‌کنند و هر نوع باج و رشوه که بتوانند از کسبه و بازرگانان می‌گیرند بدون اینکه بازخواست شوند (دروویل، ۱۳۷۰: ۷۹). در گزارش دیگری که نتیجه مشاهدات یکی دیگر از سیاحان خارجی دوره ناصری، به نام چارلز جیمز ویلز است، درباره داروغه شهر همانند نمونه قبلی، به سخت‌گیری شدید داروغه، به مظنونان و اخذ انواع رشوه و باج به بهانه‌های مختلف اشاره کرده است.

دارالخلافه با ارباب قلم در شهر و عالی‌جاهان کلانتر و کدخدایان و صاحب‌منصبان نظام و خوانین به حضور شاهزاده» انجام گرفت (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۶۲۷/۴). از نظر تغییر و تحول منصب داروغه، در مقایسه با ادوار صفوی و تیموری می‌توان گفت که در دوره قاجار به عللی که بیان خواهد شد، جایگاه منصب داروغه با تنزل مواجه شد. در نتیجه، بسیاری از وظایف و اختیارات سیاسی و اقتصادی و حتی قضایی این منصب که در دوره‌های قبلی معمول بود از آن جدا شد. علاوه بر آن، برخلاف آنچه در ادوار قبلی از نظر پایگاه اجتماعی داروغه‌ها معمول بود و بیشتر داروغه‌ها از میان سران اشراف نظامی و طبقات ممتاز مذهبی یا سیاسی برگزیده می‌شدند، در دوره قاجار معمولاً داروغه‌ها از میان اشخاص گمنام و فاقد پایگاه طبقاتی عالی برگزیده می‌شدند؛ مثلاً در دوره فتحعلی‌شاه قاجار، داروغه شیراز برای مدتی، شخصی از اعیان شهر بارفروش مازندران بود که در طفولیت خود، توجه شاهنشاه عالم را به جلب کرده بود. «در حین مامورنمودن نواب حسینعلی میرزا به مملکت فارس و سواحل عمان، این جوان نیک نهاد را در جرگه کارگزاران خاص و خواص صاحب اعتبار آن شاهزاده دریا دل منسلک فرمودند و به منصب داروغگی شهر شیراز سرفراز نمودند» (محمودمیرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۶۵/۱). گویا این داروغه طبع شعر نیز داشت و «به مناسبت شغل مزبور، تخلص خود را شحنه انتخاب نموده بود». نام اصلی این داروغه شاعر طبع محمدمهدی‌خان بود که در بیتی چنین گوید:

دور از این بیشتر از بزم و صالش مپسند
شحنه را راه به بزم ار ندهی در شکند
(محمودمیرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۶۵/۱)

داروغه شهر با اجزای زیردست خود، نظیر عسس‌ها، میراحداث و میرشب، همراه با گزمه‌ها، علاوه بر نظارت

البته، وی یادآور می‌شود که داروغه فقط این‌گونه برخوردارها را در مواجهه با دزدان، غارتگران، قماربازان، مستان و زنان فاحشه می‌تواند انجام دهد. در گزارش ویلز ضمن اینکه داروغه به انواع تنبیهات، برای گرفتن اقرار از متهمان مجاز شده است؛ ولی درنهایت اگر شخص متهم نتواند یا نخواهد رشوه و باج را به داروغه بپردازد، در آن صورت، داروغه او را برای رسیدگی قضایی، به شخص حاکم تسلیم می‌کند (ویلز، ۱۳۶۳: ۸۳). نکته جالب در گزارش منابع خارجی این است که آنان در شرح و توصیف داروغه، برای آن اختیارات قضایی و قدرت صدور و اجرای خودسرانه احکام قضایی را قائل شده‌اند (فلور، ۱۳۶۶: ۷۸).

کارکردهای اصلی منصب داروغه شهر

با توجه به محتوای گزارش‌های منابع و متون این عصر، به غیر از داروغه دفترخانه و داروغه ترکمانان که وظایف ویژه و خاصی داشتند و قبلاً به آن‌ها اشاره شد، داروغه شهر مهم‌ترین وظیفه را در جلوگیری از وقوع دزدی و مفاسد اجتماعی و کشف اجناس گم‌شده داشت و در کل، حفظ و حراست شهر از هرگونه هرج‌ومرج و رفتارهای خلاف عرف و شرع برعهده وی بود. با توجه به گزارش‌های موجود، به نظر می‌رسد در مسائل مربوط به صدور احکام قضایی و اجرای این احکام، در دوره قاجار عملاً داروغه شهر دارای اختیاراتی نبود؛ بنابراین داروغه شهر معمولاً بعد از کشف هرگونه سرقت یا قتل، عاملان و عوامل آن سرقت یا جنایت را به حاکم شهر یا دیوان‌بیگی معرفی می‌کرد و منتظر صدور حکم می‌ماند. در مواقعی که حاکم یا سایر مناصب عالی‌رتبه‌تر، مبادرت به اجرای حکم می‌کردند داروغه در اجرای حکم دخالت نمی‌کرد؛ برای نمونه زمانی که در اصفهان یک فقره دزدی انجام شد و دزدان

دستگیر شدند و رسیدگی به جرایم آنان توسط چراغعلی‌خان، نایب‌الحکومه، انجام گرفت. تنبیه و مجازات آنان نیز که چوب‌زدن و سپس بریدن دست و پای بود به دستور نایب‌الحکومه انجام شد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۴۳/۱). یا در حادثه دیگری در زنجان، به سال ۱۲۷۵ق/۱۸۵۹م، یک اصفهانی تمامی اموال امامزاده سیدابراهیم زنجان که عبارت از گلیم و قندیل‌ها و پوشش صندوق امامزاده بود به سرقت برد؛ اما داروغه دزد مزبور را کشف کرد و او را تحویل چراغعلی‌خان، حاکم زنجان داد که وی نیز، دزد دستگیرشده را مجازات کرد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۷۷/۴). در مواقعی نیز اجرای حکم نه توسط داروغه بلکه در پایتخت داروغه انجام می‌شد. مثلاً در مشهد به سال ۱۲۷۲ق/۱۸۵۶م، به دستور حسام‌السلطنه چهار نفری که چند سید را کشته بودند، در پایتخت داروغه قصاص شدند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۳/۱۷۰۲). در برخی زمان‌ها، داروغه می‌توانست خاطیان و مقصران را جریمه مالی کند. مثلاً در اصفهان داروغه شهر، هر یک اصناف صباغ را پانصد دینار جریمه کرد؛ چون به علت کوتاهی و اشتباه آنان، طفل شاگرد صباغ از پشت‌بام افتاده و فوت شده بود (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۳۷/۱). براساس گزارش‌های موجود، در دوره قاجار، در شهرهای مختلف ایران داروغه‌هایی بودند که با تصویب و انتخاب حاکم یا بیگلربیگی شهر و ایالت تعیین می‌شدند. این گروه مسئول حفظ نظم و آرامش شهر، در شب و روز بودند. داروغه شهر همراه با زیردستان خود، می‌بایست وظایف را به نحو احسن انجام می‌داد تا از بازخواست و عزل و مجازات حاکم شهر یا دیگر مقامات حکومتی به دور می‌ماند. این وظایف به این شرح بود:

تامین نظم و امنیت عمومی مراکز تجاری و بازار

در هر شهری، به خصوص شهرهای بزرگ و تجاری به علت وجود بازارهای بزرگ، مهم‌ترین بخش از وظیفه داروغه محافظت و نگهداری از بازارها و مغازه اصناف بود. از این رو، در برخی متون صحبت از داروغه بازار شده است. از جمله فلور، داروغه را از نظر حوزه نظارتی محدود به بازار می‌داند و رسیدگی بر صحت اوزان و مقیاس‌ها و نیز نظارت بر اخلاق عمومی در سطح بازار و اخذ و محاسبه مالیات‌های اصناف بازار را جزو وظایف اصلی داروغه، داروغه بازار، ذکر می‌کند (فلور، ۱۳۶۶: ۶۹). در حالی که بر اساس گزارش متون و اسناد دوره قاجار، به داروغه شهر در معنای کلان آن که نظارت کلی بر تمام شهر و اطراف آن بود توجه شده است. داروغه بازار در بیشتر متون مکتوب دوره قاجاری ثبت نشده است و تنها، اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار، در ذکر اجزا حکومت جلیله دارالخلافه تهران، در اشاره به اداره نظمیه و پلیس دارالخلافه از میرزا حسن خان سرهنگ داروغه بازار اسم برده است (اعتمادالسلطنه، بی تا: ۲۷). به نظر می‌رسد داروغه شهر، همراه با دیگر مشاغل و نهادهای درگیر در کار نظم عمومی، مسئولیت بازار را نیز در کنار سایر وظایف خویش برعهده داشت و در قبال نامنی و دزدی که در بازار روی می‌داد پاسخگو بود. در تبریز به سال ۱۲۷۶ ق/ ۱۸۶۰ م، محمدصادق بیگ داروغه از دزدی اموال مردم از بام بازارها و تخته‌های مغازه‌ها با کمک چنگک آگاه شد و دزدان را دستگیر کرد و اموال را بازگرداند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۳۰۱۶/۴). یا حاکم کرمانشاه، مقرب‌الخاقان اسکندرخان، در سال ۱۲۶۸ ق، قسمت دیگری از وظایف داروغه را فرستادن نایب داروغه، به همراه تعدادی گزمه و مستحفظ به بیرون شهر و مراقبت از زوار، در برابر تعدی دزدان و راهزنان

بیان کرده است (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۲۹۱). گشت‌های شبانه داروغه و دستیارانش و نیز دستگیری و بازجویی از اشخاصی که بعد از سه ساعت از شب، در محلات و کوچه‌های شهر تردد می‌کردند از وظایف اصلی و مهم داروغه شهر بود (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۲۷/۳). در عین حال، مواقعی نیز بود که داروغه در قبال وقوع آتش‌سوزی در شهر، به خصوص بازار، مسئول بود و باید برای مهار آتش اقدام می‌کرد. به عنوان نمونه، در سال ۱۲۷۵ ق/ ۱۸۵۹ م، گزمه و کشیکچی وقوع آتش‌سوزی در تبریز و در بازار قدیم شهر را به داروغه اطلاع دادند تا برای مهار آن اقدام کند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۳۰۱۶/۴). یا اهتمام داروغه ساوجبلاغ در اطفاء آتش‌سوزی حجرات کاروانسرای حاجی عبدالله (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۲). با وجود اشاره منابع خارجی به نقش داروغه در محاسبه و اخذ مالیات اصناف بازار، در منابع عصر قاجار اشاره‌ای به این وظیفه داروغه نشده است.

نظارت بر اخلاقیات و شرعیات جامعه

علاوه بر تامین امنیت بازارها و خانه‌های مردم، داروغه گاه وظایف محتسب دوره صفوی را نیز در زمینه مبارزه با فساد و اعمال نامشروع، همچون شرب و زنا و دستگیری فواحش عهده‌دار بود. «... و داروغه فهیم و پخته... در هر شهری مقرر فرمود که منع فسق و فجور و فواحش و دزدی و شلتاق و تعدی نماید» (آصف، ۱۳۵۲: ۳۰۸). احیای دوباره این منصب، با عنوان احتساب آقاسی، در اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز تغییری در این وضعیت ایجاد نکرد. بنابراین، در دوره قاجار نیز حکام و والیان ایالات تاکید شدیدی بر اهتمام داروغگان، در جلوگیری از اعمال خلاف شرع می‌کردند. همانند تاکید شدید حسام‌السلطنه، والی

خراسان، در اوایل عهد ناصری بر رعایت امور شرعی و مسئولیت داروگه‌ها در قبال هرگونه شرب خمر و وجود فاحشه در محلات شهر (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۷۰/۱۳). یا دستور حاکم خمسه، چراغعلی‌خان، به داروگه برای خراب کردن خانه‌ای که برای فساد و شرب خمر از آن استفاده می‌شد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۶۲۰/۳). همچنین مجازات مردی به دستور حاکم شهر خوانسار که متهم به زنا بود و داروگه او را شناسایی و دستگیر کرده بود (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۹۱/۱). در گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس از جنوب ایران، در سال ۱۳۱۰ ق/۱۸۹۳ م گزارشی از شیراز درخصوص سعی داروگه شهر برای ممانعت از قماربازی و دستگیری قماربازان ثبت شده است که البته به مقاومت قماربازان و درگیری بین آنان و مامور داروگه منجر شده است و درنهایت، این درگیری به قتل مامور داروگه انجامید (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۴۲۰).

کشف اموال گمشده و دستگیری متهمان به سرقت و جنایت

در بیشتر مواقع، کار داروگه شهر علاوه بر ممانعت از فعالیت دزدان و متجاوزان به نوامیس مردم، کشف اموال و اشیاء گمشده و نیز شناسایی و دستگیری سارقان و قاتلان بود. در صورت بروز هرگونه سرقتی، داروگه مسئول یافتن اموال مسروقه و استرداد آن به صاحبانشان بود. داروگه شهر همراه سایر مناصب و نهادهای مسئول، در برابر هرگونه سرقت و دزدی مسئول بودند و می‌بایست پس از وقوع دزدی، دزد را دستگیر کرده و به حاکم شهر یا ایالت تحویل می‌دادند. در غیر این صورت، خود باید جریمه مال دزدیده‌شده را نقدی می‌پرداختند. البته در صورت کشف مال دزدیده‌شده، داروگه سهمی به عنوان حق‌الکشف

دریافت می‌کرد. مثلاً در روزنامه وقایع اتفاقیه در ذکر اخبار شهر گلپایگان، گزارشی از وقوع دزدی از دکان شخصی یهودی به نام خداداد عطار آمده است که پس از آگاهی محمدابراهیم‌خان، حاکم شهر، وی داروگه و گماشتگان بازار را ملزم به کشف دزد و مال دزدیده‌شده در مدت ده روز کرد. حاکم شهر داروگه را تهدید کرد که در غیر این صورت، خود باید جریمه اموال دزدی را بپردازد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۱۲۴/۳). یا در حادثه مشابهی، در ارومیه سرقتی از دکان ملاجعفر بزاز شد که والی ارومیه، اکبرمیرزا، داروگه را موظف کرد که تا ده روز سارق را پیدا کند و در غیر این صورت، خود جریمه مال مسروقه را بپردازد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۵۶۸/۳). روزنامه مسافرت هرات از وقوع یک فقره دزدی و مسئولیت داروگه شهر سبزواری، در برابر آن این‌گونه یاد می‌کند: «شخصی زوار مازندرانی آمد عرض کرد به حاکم که در بیرون شهر دیگ مرا شام پخته بودند، دیگ را با شام پخته دزدیدند. مصطفی‌قلی‌خان، حاکم، فرستاد داروگه را آوردند و گفت برو در بیرون شهر دیگ این شخص را پیدا نموده بده. داروگه رفت و می‌گفت تفحص بسیار کرده‌ام پیدا نشد، و داروگه چهارهزار دینار پول دیگ را به آن شخص داده روانه نمود او را و قبض گرفت آورد» (روشنی زعفرانی، ۱۳۷۴: ۶۲).

تامین امنیت ایرانیان غیرمسلمان

در دوره قاجار، نظارت و رسیدگی به امور غیرمسلمانان در بعضی از شهرها، نیز جزو اختیارات داروگه‌ای بود که اغلب به شکل اختصاصی و به عنوان ضابط آنان عمل می‌کرد. وی جدای داروگه شهر بود. البته نظارت داروگه‌ها بر این گروه‌های دینی غیرمسلمان، به علت تندروی‌ها و اجحافات اعمال‌شده از سوی داروگه،

همواره خالی از اعتراض و شکایت نبود. به عنوان مثال، در شیراز به سال ۱۳۱۳ ق/ ۱۸۹۶ م، گروه‌های یهودی شهر تحت نظر داروغه‌ای بودند که همواره با تعدی و اجحاف با آن‌ها برخورد می‌کرد. همین امر موجب شکایت یهودیان از وی شد و به دستور صدراعظم، داروغه از عنوان ضابطی طایفه یهود برکنار شد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۴۹۵). در بعضی مواقع نیز، حمایت و سرپرستی اتباع غیرمسلمان از وظایف داروغه شهر بود. مثلاً به سال ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۶ م، در هرات که هنوز در اختیار حسام‌السلطنه، والی خراسان، بود داروغه شهر موظف بود ضمن دادن اجازه به جماعت هندو، در سوزاندن میت به روش معمول خود، با فرستادن چند نفر همراه از هرگونه مزاحمت برای آنان جلوگیری کند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۰۸۵/۳).

نمونه‌های عزل یا مجازات داروغه شهر

در دوره قاجار، کسانی که داروغه شهر بودند ممکن بود به علل متعددی، شغل و مقام خود را از دست بدهند. البته برکناری و عزل داروغه شهر، از اختیارات حاکم شهر یا جانشین او در اداره امور شهر، همچون بیگلربیگی یا پیشکار بود. منابع دوره قاجار عزل داروغه را در مواقعی چون سوءاستفاده از قدرت، زورگویی، همکاری و مشارکت با مجرمان در ارتکاب جرایم مختلف، قتل و... بیان کرده‌اند. البته این برکناری همراه با مجازات و محکومیت نیز بود. در واقع، در این دوره، مردم و گروه‌های مختلف جامعه می‌توانستند در صورت مواجهه با تعدیات داروغه، به نوعی شکایت و نارضایتی خود را به دولت ابراز کنند و در انتظار رسیدگی باشند. مقام‌های بالادستی همچون، حاکم و وزیرحاکم و بیگلربیگی می‌توانستند در صورت اثبات جرم داروغه، وی را عزل یا مجازات کنند. در دوره قاجار نمونه‌های

متعددی را می‌توان یافت که در آن داروغه شهر به علل متعدد، از جمله زورگویی و ظلم و ستم با شکایت و دادخواهی اهالی مواجهه و در پی گزارش خلاف‌کاری‌های وی از منصب خود عزل و حتی به مجازات‌های سنگینی نیز محکوم شده است. براساس متن یکی از اسناد دوره قاجار، در همدان به سال ۱۲۸۱ ق/ ۱۸۶۴ م، کسبه بازار به علت تعدی و اجحاف داروغه شهر به آن‌ها، بازار را تعطیل کردند و در خانه آقا میرزا ابوتراب بست نشستند و شکایت علیه داروغه را نزد حاکم بردند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۲۸۱ ق: ش ۲۹۵/ ۹۳۱). یا در سند دیگری از آذربایجان، امیرنظام گروسی در نامه‌ای درخصوص لزوم تغییر داروغه، به علت شکایت اهالی این چنین می‌نویسد: «مدتی است که از همه اطراف اعم از علمای عظام، داعیان تجار و مطلق کسبه بازار از وضع محمدعلی خان داروغه شکایت می‌نمایند. چون با این شکایت عمومی بقای داروغگی بیش از این انقضای شده است موکداً می‌نویسم که بدون تاخیر کسی دیگر را که در این شغل باشد و مناسب بدانید معین کرده اطلاع بدهید که به داروغگی شهر منصوب شود» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۷ ق: ش ۲۹۶/ ۱۰۸۴۹). در عهد ناصری، شاه برای جلوگیری از اقدامات خلاف داروغه‌ها فرمانی به شرح زیر صادر کرد:

«سابقاً در بعضی شهرهای ممالک محروسه ایران پاره اشخاص با اجازت داروغه‌ها در آنجاها قمارخانه نگاه می‌داشتند و مرتکب قبايح و اعمال بد می‌شدند و داروغه‌ها از این اشخاص رسم توجیه و جهی گرفته اذن افعال ناشایست می‌دادند. چون این معنی خلاف رای اعلیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه است لهذا حسب‌الحکم مقرر فرمودند که در این روزنامه‌ها به ممالک محروسه اعلام شود که بعد از این داروغه‌ها و غیره از چنین جای‌ها به هیچ وجه مطالبه پول نمایند

سرقت بود: «سیدی قدری جنس از همدان آورده، کاسبی می‌کرد. شب دکان او را بریده‌اند معلوم شد کار داروغه است» (عباسی، ۱۳۷۲: ۵۴). در صورت بدرفتاری و اجحاف در حق پیروان غیرمسلمان نیز، داروغه شغل خود را از دست می‌داد یا دچار توبیخ و اخطار می‌شد: «میرزا عباس داروغه که ظلم و تعدی به طایفه یهود می‌نمود او را بیگلربیگی معزول کرد، حسینعلی بیگ نامی را از گماشتگان خود را ضابط طایفه یهود نموده است» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۱۶۵). در کرمانشاه داروغه شهر به علت دسیسه‌چینی و استشهاد دروغین، تنبیه شد و شغل خود را از دست داد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۶۵۲). در مواقعی نیز داروغه به علت سستی در نگهداری مجرمان و سارقان که به فرار آنان از زندان منجر می‌شد یا به علت ناتوانی در یافتن سارق و مجرم، به دستور حاکم یا بیگلربیگی به مجازات‌هایی چون زندانی شدن و پرداخت جریمه و چوب‌خوردن محکوم می‌شد. مثلاً در سال ۱۳۰۴ق/۱۸۸۷م و در شیراز، به علت فرار یکی از مجرمان از زندان، به دستور صاحب دیوان داروغه را چوب زده بودند (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۲۹۴). همچنین باز در شیراز به سال ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م، شاهد حبس داروغه شهر به علت دزدی اموال مردم و ناتوانی داروغه در کنترل شهر از دست سارقان هستیم که این حبس، به دستور حاکم شهر انجام گرفت (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۶۶ و ۵۳). شکی نیست که همانند مشاغل و مناصب دیگر، در دوره قاجار به علت ضعف سیستم نظارتی و قضایی و از همه مهم‌تر به علت ماهیت خودکامگی و استبدادی که بر روح تمامی دارندگان مناصب و مشاغل حکومتی حاکم بود، امکان سوءاستفاده داروغه‌ها و ارتکاب آنان به جرایمی همانند فساد و ارتشاء فراهم بود. بازگویی این نمونه از مجازات‌های داروغه‌ها نشان‌دهنده این

و این اعمال به کلی منع و موقوف باشد» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۲۷۷). در شیراز به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آن داروغه خود، مرتکب قتل شده یا در انجام سرقت با سارقان همدستی کرده است (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۴۶۴). در دوره قاجار، اگر داروغه شهر در انجام مسئولیت خویش کوتاهی کرده یا از موقعیت و قدرت خود، سوءاستفاده می‌کرد و این کوتاهی را فردی که به او ستم شده بود گزارش می‌داد حاکم شهر یا بیگلربیگی شهر، داروغه را از شغل خود معزول و در مواقع قصور و بی‌لیاقتی، در انجام وظایف محوله به حبس محکوم می‌کرد. به عنوان نمونه، طبق سندی از اسناد دوره قاجار داروغه تربت علیّه یک زن تعدی و از مقام خود، سوءاستفاده کرد که در پی گزارش به تهران و دخالت صدراعظم حاکم خراسان، رکن‌الدوله، موظف به بازداشت داروغه و فرستادن او به دارالخلافه شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۹۵ق: ش ۲۹۵۰۰۶۸۵۵). در نمونه دیگری در سال ۱۲۶۹ق/۱۸۵۲م، داروغه دارالخلافه تهران به علت بی‌اهتمامی در نظم گزیده‌های شهر و محافظت از مغازه‌های بازار و غیره معزول شد و به دستور شاهزاده اردشیر میرزا عالی‌شانان عبدالعظیم‌بیگ و محمدجعفر بیگ عهده‌دار داروغگی پایتخت شدند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۷۳۹). در برخی مواقع اخذ وجوه غیرقانونی، موجب عزل داروغه از مقام خود می‌شد. تنبیه و معزول شدن داروغه شاهرود، به دستور حاکم شهر و به علت زورگویی و اخذ مبالغ خلاف حساب از چند نفر بی‌تقصیر بود (وقایع اتفاقیه، 1373: ۱/۱۷۱۶۷). در زمان‌هایی داروغه به علت همدستی با اشرار و سارقان از مقام خود معزول می‌شد؛ همانند داروغه استرآباد که میرزا اسمعیل خان، پیشکار استرآباد، او را معزول کرد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۳/۱۸۷۸). در مواقعی نیز، خود داروغه عامل

ویژگی‌های ساختاری منصب داروغه

ساختار اداری

داروغه از نظر ساختاری منصبی بود که در دوره قاجار، در چارچوب ساختار انتظامی و قضایی، در زنجیره‌ای از مشاغل و مناصب حکومتی قرار داشت. وظیفه داروغه یا رسیدگی به مقوله نظم و امنیت در جامعه بود (داروغه شهر) یا در درون دستگاه دیوانی، علاوه بر نظم، به پاره‌ای مسائل مالی نیز رسیدگی می‌کرد (داروغه دفترخانه). به علت ماهیت عمومی و فراگیری که داروغه شهر، در زمینه برخورد با طبقات و اصناف مختلف مردم داشت، این نوع منصب داروغه بیشتر از سایر مناصب، چون داروغه دفترخانه و داروغه ایلات، قضاوت‌های ضد و نقیضی به همراه داشت. از این رو، در بررسی حاضر بیشتر، به این نوع از منصب داروغه توجه و دقت می‌کنیم. در دوره قاجار، منصب داروغه به علت اهمیتی که در تامین نظم عمومی جامعه داشت نقش فراوانی، در امر نظم‌دهی جامعه ایفا می‌کرد. این در حالی بود که مناصب دیگری، همچون کلانتر و کدخدا نیز مسئول نظم عمومی بودند. بنابراین در دوره قاجار، همواره شغل داروغگی به دقت تحت نظارت و کنترل مناصب بالادستی چون حاکم و بیگلربیگی و پیشکارحاکم بود. هدف از این نظارت آن بود که ضمن حمایت از داروغه در برابر تعدی‌ها، از فعالیت‌های شرورانه متصدیان منصب داروغگی، تا حد امکان جلوگیری شود. به همین علت در مواقعی، مقامات بلندپایه‌ای چون صدراعظم نیز، در جریان اخبار و گزارش‌های داروغه قرار می‌گرفت. در گزارشی که روزنامه وقایع اتفاقیه درباره اخبار دارالعباده یزد، در سال ۱۲۶۹ ق/ ۱۸۵۳ م، آورده تعدی و ظلم داروغه، با دخالت صدراعظم مواجه می‌شود: «بی‌اعتدالی داروغه یزد و بعضی صادرات که معمول نبود نسبت به کسبه و

واقعیت است که در ایران عصر قاجار با وجود موانع و محدودیت‌هایی که در راه اداره صحیح و سالم دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی وجود داشت، باز به علل متعدد، اندک توجه و اهمیتی به برقراری عدالت و رفع ظلم و ستم از مردم عادی وجود داشت.

چگونگی نصب داروغه شهر در دوره قاجار

به نظر می‌رسد که یکی از علل تنزل و کاهش موقعیت داروغه شهر در دوره قاجار، مربوط به چگونگی نصب و انتخاب داروغه بود. در دوره قاجار موضوعی به نام فروش مناصب و مشاغل حکومتی وجود داشت و در بیشتر مواقع، مناصب حکومتی به صورت اجاره به متقاضیان واگذار می‌شد؛ بنابراین منصب داروغه نیز از این قاعده مستثنی نبود و براساس شواهد مختلف، شغل داروغگی نیز مانند «همه شعبات کارها به اجاره» بود (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۱۳۴). به عبارت دیگر، این منصب را به عنوان شغلی، به متقاضیان برای اجاره عرضه می‌کردند و هر کس بیشترین رقم و مبلغ را پیشنهاد می‌کرد برنده این مناقصه بود. ابراهیم‌بیگ در سفرنامه خود، درباره این نحوه تعیین داروغه در دوره ناصری، از قول یکی از ساکنان اردبیل می‌نویسد: «... به جان عزیزت فردا هر کس در اردبیل یکصد تومان به وجه اجاره افزود، او پس فردا داروغه است» (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۱۳۴). از طرف دیگر، چنین وضعیتی در نحوه نصب داروغه شهرها، راه را برای تعدیات و زورگویی بیشتر دارندگان این منصب باز می‌کرد. چنان‌که گزارش‌های پراکنده و بسیاری، از این‌گونه تعدیات داروغه‌ها در دست است که به نمونه‌هایی از آن در مطالب قبلی اشاره کرده‌ایم.

سودآوری بود؛ از این رو، افراد مختلف، همواره برای تصدی این منصب پیش‌کش‌هایی برای حاکم و اعضای دربار سلطنتی می‌فرستادند. شکی نیست که دادن این پیش‌کش‌ها، در ازای درآمدهای سرشاری بود که متصدی این منصب می‌توانست به‌صورت رشوه و هدایای غیرقانونی، برای خود فراهم آورد. درکل، عایدات و درآمدهای منصب داروغه از طرق زیر کسب می‌شد:

درآمدهای مشروع و قانونی

که از طریق هدایا و حق‌الکشف‌هایی که گروه‌های مختلف اصناف و طبقات مردم به او می‌پرداختند، به دست می‌آمد. در دوره قاجار، رسم بر این بود که داروغه در صورت کشف مال دزدی یا گمشده، مبلغی به عنوان انعام یا حق‌الکشف دریافت می‌کرد. به تناسب افزایش ناامنی و سرقت، بر عایدات داروغه نیز افزوده می‌شد و برعکس آن نیز که به‌ندرت، اتفاق می‌افتاد امکان‌پذیر بود. مثلاً در گزارشی از کرمانشاه، در سال ۱۲۶۸ق/۱۸۵۲م، آمده است که در اثر اقدامات مهم شاهزاده امام‌قلی‌میرزا در نظم و نسق امور آنجا و امنیت ناشی از آن، داروغه آنجا از شغل خود استعفا داد و علت آن را این‌گونه بیان کرد که امنیت شهر به‌حدی است که در این مدت، عمل خلافی از احدی سر نزنده و دیناری از جاهایی که ماخوذی داروغه‌خانه است، نرسیده است؛ از این رو، از عهده وجه اجاره داروغه‌خانه برنمی‌آییم (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۴۲۲).

درآمدهای نامشروع

گاه داروغه‌ها از طریق رشوه و باج‌ستانی از مراکز فساد و افراد خاطی، می‌توانستند هرچند نامشروع، برای خود درآمدهای کلانی کسب کنند. همچنین داروغه از طریق

اصناف آنجا حواله نموده، مراتب در ضمن روزنامه یزد به عرض جناب مجدت و جلالت نصاب صدراعظم رسیده، به امیرالامرا العظام مقرب‌الخاقان سردار حکمران یزد و کرمان و همچنین به عالیجاه میرزامطلب نایب‌الحکومه یزد نوشتند که به مقام رفع بی‌حسابی او برآیند ...» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۶۰۸). همچنین از جریان تعدی به داروغه یزد نیز صدراعظم وقت، امین‌السلطان، اطلاع یافت و برای رسیدگی به این امر و مجازات متجاوزان به داروغه، برای حاکم اصفهان، ظل‌السلطان، دستور اکید صادر کرد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۰۵ ق: ش ۲۹۵/۶۳۶۵). در دوره قاجار، داروغه منصبی بود که همراه با مناصب دیگری، همچون کلانتر و کدخدا تحت نظارت حاکم هر شهر و ایالت بود. حاکم و همکاران وی، بر نحوه انجام وظایف داروغه نظارت می‌کردند و همچنین، برای عزل و نصب داروغه اختیار داشتند. در حوادث سال ۱۲۷۲ق/۱۸۵۶م و در کاشان، به علت افزایش سرقت از خانه‌های مردم، با شکایت و عارض شدن مردم به حکمران اصفهان وی داروغه و کدخدایان کاشان را «قدغن اکید می‌نماید که حتماً دزد را بدست بیاورند» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۸۴۰/۳). همچنان که نصب و تعیین داروغه نیز، به دستور حاکم انجام می‌شد؛ در جریان عزل داروغه تهران «از قرار رقم نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیرمیرزا حکمران دارالخلافه تهران و توابع، شغل داروغگی دارالخلافه تهران را به عهده عالی‌شانان عبدالعظیم‌بیگ و محمدجعفربیگ... واگذار نمودند...» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱/۷۴۹).

ساختار مالی

از نظر مالی در دوره قاجار، منصب داروغه به علت برخورداری از عایدات فراوان، منصب پردرآمد و

۴. داروغه‌خانه که داروغه شهر و اجزای منصب داروغگی، در آنجا اقامت داشتند و از این محل، به ماموریت اعزام می‌شدند؛ همچنین مجرمان و تبه‌کاران را برای بازجویی اولیه به آنجا می‌آوردند. البته در راس این تشکیلات، حاکم یا اجزای دستگاه حکومتی و دیوانسالاری قرار داشتند و داروغه را زیرنظر می‌گرفتند. در این تقسیم‌بندی، داروغه به عنوان مقام عالی بود که در صورت نبودن وی، جانشین او که شاگرد داروغه و نایب داروغه نامیده می‌شد امر رسیدگی به مسائل عمومی مربوط به نظم و جرایم را انجام می‌داد. مثلاً اقدام نایب داروغه در سال ۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۶م و در کرمانشاه، در زمینه دستگیری عوامل سرقت از یک کاروانسرا؛ همچنین نقش شاگرد داروغه‌ها، در سال ۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۶م و در شهر هرات، برای تامین امنیت بازارها در شب (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۰۱۹/۳ و ۲۰۷۲). در بعضی منابع، از محل استقرار داروغه به عنوان پایتخت داروغه نام برده شده است و در برخی منابع دیگر، داروغه‌خانه. همانند گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه از کرمانشاه، درباره کم‌شدن عایدات داروغه‌خانه به علت وفور امنیت که در سطور قبلی اشاره شد. در برخی ایالت‌ها، نظیر خراسان، از محل اقامت داروغه با اصطلاح **پایتخت داروغه** یاد شده است که گاه، محل اجرای مجازات مجرمان نیز بود. «در ذکر اخبار خراسان در سال ۱۲۷۴ق... مقرب‌الخاقان قوام‌الدوله... قدغن اکید نموده او را آورده در پایتخت داروغه که محل عبور و مرور عامه است قصاص نموده به سزای خود رسانیدند» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۲۴۵۸/۳). یا در سال ۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۶م، باز در خراسان، به دستور حسام‌السلطنه مقرب‌الخاقان قوام‌الدوله قاتلان چند نفر از سادات را که چهار نفر بودند در پایتخت داروغه به قصاص رسانند (وقایع

ابزار تهدید و سوءاستفاده از موقعیت خود، می‌توانست مبالغی به زور و تعدی از مردم دریافت کند. از جمله در سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ نمونه جالبی از تعدی داروغه، از زبان اهالی یکی از شهرها ارائه شده است. این شهروند در پاسخ این سؤال که داروغه وجه اجاره را از کجا تامین می‌کند؟ توضیح می‌دهد که داروغه از هر دکان ماهی یک قران، به نام اجرت عسس، می‌گیرد. ولی چون از آن عاید چندانی حاصل نمی‌شود، طرفین دعوا و تاجرزادگان را به تهمت «جنده‌بازی و عرق‌خوری» گرفته و از هر یک چهل یا پنجاه تومان به عنوان جریمه اخذ می‌کند. غالباً گرفتن پول، همراه با خشونت و شکنجه است (مراغه‌ای، ۱۳۵۳: ۱۳۴). اعتصام‌الملک، نایب اول وزارت امور خارجه، در سفرنامه خود به تعرض و تعدی داروغه، در گرفتن وجوه اضافی در طبس اشاره کرده است (اعتصام‌الملک، ۱۳۵۱: ۲۴۹). وجود چنین مداخل غیررسمی و غیرقانونی، موجب ازدیاد متقاضیان منصب داروغه از هر صنف و طبقه‌ای می‌شد. به نوشته دروویل در ارومیه، برای تصدی این منصب، شخصی مبلغ ده هزار تومان پرداخت کرده بود (دروویل، ۱۳۷۰: ۷۹).

ساختار تشکیلاتی

از محتوای گزارش‌های منابع دوره قاجار، به نظر می‌رسد که منصب داروغه شهر در بیشتر شهرها و ایالت‌ها از نظر تشکیلاتی، شامل تقسیم‌بندی زیر بود:

۱. داروغه؛

۲. نایب داروغه؛

۳. اجزای داروغه‌خانه که شامل گزمه‌ها و عسس‌ها و میرشب می‌شد؛

اتفاقیه، ۱۳۷۳: ۱۷۰۲/۳). ظاهراً اصطلاح پایتخت داروغه، اصطلاحی بوده که فقط در خراسان و شهرهای آن رایج بود.

تنزل موقعیت منصب داروغه در دوره قاجار

منصب داروغه در دوره قاجار، از نظر تامین امنیت و نظم عمومی، همچنان از مناصب مهم دولتی به شمار می‌رفت؛ اما داروغه دوره قاجار، به علل متعدد، از اهمیت و منزلت پیشین در دوره صفوی به تدریج فاصله گرفت و به سطح نازلی تنزل یافت. در دوره قاجار، دو عامل اصلی باعث شد منصب داروغه با وجود نقشی که در تامین نظم عمومی ایفا می‌کرد از جایگاه مهمی برخوردار نباشد:

شیوه حکومت قاجارها

پادشاهان قاجار حکومت ایالات و شهرها را به شاهزادگان خود، می‌سپردند؛ پس جایی برای حضور سایرین، در قالب مناصب حکومتی، به عنوان حاکم سیاسی ایالات باقی نمی‌ماند. در چنین وضعیتی، داروغه یکی از مناصبی بود که بیشترین تنزل را از نظر منزلت و موقعیت متحمل شد؛ زیرا این منصب در ادوار پیشین، به‌خصوص در دوره صفوی و تیموری، آنچنان اهمیت و منزلت داشت که گاه داروغه، به معنای حاکم سیاسی یک شهر یا ایالت به کار می‌رفت. بنابراین تحول در شیوه حکومتی قاجارها و احیای شیوه حکومتی سلجوقیان، در سپردن حکومت ایالات و شهرها به شاهزادگان و اعضای خاندان سلطنتی، یکی از عوامل مهمی بود که موجب شد منصب داروغه، در معنای داروغه شهر، منحصر به وظایف و مسئولیت‌های انتظامی شده و از هرگونه اقتدار سیاسی پیشین تهی شود.

تاسیس نهادهای انتظامی و قضایی جدید غربی

در دوره قاجار به‌خصوص از مان سلطنت ناصرالدین‌شاه، تعاملات گسترده فرهنگی و سیاسی و اقتصادی، میان ایران و اروپا شتاب گرفت. تحت‌تاثیر چنین روندی، بعضی از نهادها و سازمان‌های نظامی و انتظامی اروپایی اجازه ورود به جامعه ایران پیدا کردند. با ورود سازمان‌های نظامی جدید، مناصب و نهادهای سنتی و کهن ایرانی همانند داروغه و کلانتر و کدخدا تنزل یافت و کم‌اهمیت‌شد. نیروی پلیس یکی از این نهادها بود و کاربرد انتظامی داشت. ناصرالدین‌شاه در سفر دوم خود به فرنگ، به اصلاح امور نظمی براساس شیوه اروپایی و تاسیس نیروی جدید پلیس، همانند کشورهای اروپایی علاقه‌مند شد. پس دستور استخدام یک نفر افسر ایتالیایی، برای ایجاد نیروی مزبور را صادر کرد. این افسر ایتالیایی کنت آنتوان دومونت فرت (معادل لاتین نام) نام داشت که دستور شاه و با لقب نظم‌الملکی و امتیاز امیر تومانی، مامور تشکیل نیروی پلیس شد (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۱۲۰). با تشکیل نیروی پلیس، قدرت و اختیارات داروغه شهر تحت‌الشعاع قدرت این نیروی نظامی جدید غربی قرار گرفت. اداره نظمی و پلیس دارالخلافه مجموعه جدیدی بود که از نظر تشکیلاتی جزو اجزای حکمت جلیله دارالخلافه تهران بود. براساس نوشته‌های اعتمادالسلطنه، در اواخر عهد ناصر میرزا حسن‌خان سرهنگ، داروغه بازار، در راس اداره نظمی پایتخت بود (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۲۷). در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ق/۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶م، در گزارش‌های نظمی از محلات تهران، از حضور داروغه در رسیدگی و کشف جرایم و حوادث دارالخلافه زیر نظر اداره نظمی یا پلیس دیده صحبت شده است. «به داروغه اطلاع

منصب داروغه و انعکاس آن در آثار ادبی دوره قاجار

هنر و ادبیات از مظاهر مهم تجلی و انعکاس ویژگی‌ها و ساختار اجتماعی هر جامعه است. پس در ایران دوره قاجار نیز، داروغه شهر و فعالیت‌های او در حوزه اجتماعی، در ادبیات منعکس شد. با وجود این در بررسی بیشتر منابع ادبی این دوره، اعم از دیوان اشعار و آثار مثنوی ادبی، از واژه داروغه در معانی کاربردی و صنایع ادبی اثری نیست. اما از مشاغل پایین‌دست و تابع منصب داروغه، همچون عسس و محتسب و کدخدا بسیار یاد شده است. در این میان، گاه برای اشاره به دارنده منصب داروغه از واژه شحنه نیز استفاده شده است. مثلاً همچنان‌که پیشتر گفته شد، محمدمهدی‌خان داروغه شیراز که در اوایل سلطنت فتحعلی‌شاه به این منصب منصوب شده بود، شاعر بود و در اشعار خود، به مناسبت شغلش از تخلص شحنه استفاده می‌کرد. به نظر می‌رسد در افواه عامیانه مردم آن زمان، هنوز تفاوتی بین داروغه و شحنه وجود نداشت و هر دو از نظر کارکردی، ماهیت یکسانی را یادآور بودند. محمدمیرزا قاجار از اشعار شاعری شیرازی به نام آقاحسینعلی، معروف به محروم، منتخباتی آورده است که در ابیاتی از این اشعار، واژه‌های عسس و شحنه به کار رفته است:

نیست هرگز برهنه پایمان را
غمی از شحنه بیمی از عسسی
شب آدینه و من مست و صراحی در دست
واه بر من اگر از ره عسسی برخیزد
(محمدمیرزا قاجار، ۱۳۷۶: ۵۳۶ و ۴۷۰).

در اشعار شاعران دیگر نیز ذکری از داروغه نیست؛ ولی از مشتقات منصب داروغگی، همچون عسس استفاده‌های فراوانی شده است. در عین حال، منظور

می‌دهند که حاجی‌ابراهیم نام را دو روز است چند نفر در شیره‌پزخانه نزدیک چهارسوق برده، حبس کرده‌اند و کتک زده‌اند. داروغه فرستاده مشارالیه را آورده معلوم می‌شود که علی‌آقا نام سرباز با حسین و ملاعلی‌اکبر نطنزی با هم [برای] این که مشارالیه برای دستبرد به شیره‌پزخانه رفته است کتک زیاد به او زده به طوری که آثار صدمه در بدن اوست و دو روز هم حبسش نمودند. اجزای چارسوق حسین و ملاعلی‌اکبر را دستگیر کرده به اداره آوردند با راپورت واقعه نزد جناب وزیر نظام فرستاده شدند که تنبیه سخت بشوند» (شیخ‌رضایی، ۱۳۷۷: ۲۸۷/۱). در اواخر دوره ناصری، با پیدایش نهادهای انتظامی جدید همچون نیروی پلیس، مرتبه نازل داروغه آنچنان بود که گاه و در شهرها مختلف، داروغه را تحقیر کرده و به او توهین می‌کردند و حتی ضرب‌وشتم می‌دادند. برای نمونه، می‌توان به ضرب‌وشتم و تحقیر داروغه در شیراز و زنجان و یزد اشاره کرد. در سال ۱۳۰۷ق/ ۱۸۹۰م، در زنجان داروغه از چند نفر «بالابانچی که در شهر کاسبی داشتند» شیرینی خواسته بود و آن‌ها شیرینی را نداده و با داروغه نزاع کرده و او و اتباعش را کتک زده بودند (عباسی، ۱۳۷۲: ۱۸). از در شیراز نیز نظیر چنین بگومگویی با داروغه و ضرب‌وشتم او گزارش شده است (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۴۲۹ و ۴۷۹). گاه، این تحقیر و ضرب‌وشتم داروغه‌ها با مداخله مقام صدارت مواجه می‌شد و صدراعظم وقت قاجار، حکم رسیدگی سریع به این قبیل امور را می‌داد. نظیر آنچه در سطور پیشین، درباره داروغه یزد ذکر شد. البته شاید علت عمده این قبیل برخوردها طبقات مختلف مردم با داروغه، سخت‌گیری شدید داروغه یا سوءاستفاده او از موقعیت خود، برای پرکردن جیب بود.

بدبینی و نگرانی فزاینده از تعدیات احتمالی و ستم به مردم بوده است. همچنان‌که روال کار این مناصب که برای تامین نظم عمومی و ایجاد امنیت رفتاری توأم با خشونت و گاه شکنجه‌های طاقت‌فرسا داشتند مردم به‌نوعی می‌پذیرفتند. به‌رحال، طبق شواهد ارائه‌شده، در متون ادبی بیش از آنکه به خود منصب داروغه توجه شود از اجزا و مشتقات تابع این منصب که مهم‌ترین آن عسس بود، یاد شده و مفهوم داروغه گاه مترادف با شحنه گرفته شده است.

نتیجه

در میان سلسله مشاغل و مناصب حکومتی ایران دوره اسلامی، به‌ویژه از دوره مغول به بعد، منصب داروغه پدیده ناشناخته و غیرملموسی نبود. داروغه از دیرباز، حجم گسترده‌ای از اختیارات اجرایی و نظامی را در ماهیت خود داشت؛ پس از مشاغل و مناصب مهم و حساس حکومتی، به‌خصوص در دوره مابین تیموریان تا قاجاریه، بود. در دوره قاجار، داروغه فقط در قبال نظم و امنیت عمومی شهر مسئول بود و البته در کنار مشاغل دیگری، همچون کلانتر و کدخدا و بیگلربیگی؛ اما در ادوار پیش از آن، داروغه نه به عنوان ناظم و تامین‌کننده امنیت شهر بلکه به عنوان نماینده سیاسی حکومت و شخص سلطان بود. وی در قبال محاسبه و اخذ مالیات‌ها و اداره سیاسی و نظامی شهر و ایالت وظیفه داشت و ناظر دیگر مناصب و مقامات حکومتی بود. در دوره قاجار نقش داروغه، به‌خصوص داروغه شهر، به علت ازدیاد قدرت و نفوذ سایر مناصب چون کلانتر و کدخدا و نیز دخالت سایر مقامات حکومتی چون حاکم، پیشکار، دیوان‌بیگی و بیگلربیگی در حوزه تامین امنیت شهری، تنزل پیدا کرد؛ اما از بین نرفت. واگذاری شغل داروغگی اختصاص به خاندان‌های نظامی و اشرافی بانفوذ نداشت بلکه برخلاف ادوار

شاعر از کاربرد چنین واژه‌هایی نیز به مناسبت کارکرد این مشاغل در برخورد با سارقان و بیم و وحشتی است که عامه از این مناصب، به علت رفتارها و عملکردهای زورگویانه دارند. قآنی، شاعر برجسته و معروف دوره فتحلی‌شاه تا زمان ناصرالدین‌شاه، در اشعار خود به مناسبت‌هایی از واژه عسس استفاده کرده است که به نوعی یادآور وظیفه و ماهیت این شغل است:

کز ره نفس گسیخته آمد یکی ز در
چو دزد چابکی که کند از عسس فرار
و آن زاهدک از طعنه او باش خلائق
چون دزد عسس دیده به کنجی نزند دم
(قآنی، ۱۳۸۰: ۳۹۲ و ۵۳۴).

ادیب‌الممالک فراهانی، از شعرای اواخر دوره ناصری تا پایان دوره قاجار، در نقل مثنوی ابوالقاسم طنبورزن، به ماهیت کار اجزای منصب داروغگی و از همه مهم‌تر خشونت و شکنجه آنان در گرفتن اقرار از متهمان اشاره می‌کند:

بانک و فریاد بـرآورد و نغیر
کای عسس دزد شریر است بگیر
زین هیاهو عسس و شحنه ز کوی
گردد گشتند بـدور سـر او
محتسب گفت به سالار عسس
ببر ایـن دزد دنی در محسب
سنگ بـر ... آویخته کن
بند بر پانه و نی بر ناخن
در شکنجه‌کش و لت‌زن شاید
که ز انکار به اقرار آید
آنچه دزدی شده ز اموال کسان
بایدش داد به دست عسسان
(فراهانی، ۱۳۷۸: ۶۴۳/۲).

به نظر می‌رسد در منابع ادبی دوره قاجار، نگاه به مناصب و مشاغل حافظ نظم عمومی، نگاهی توأم با

کتابنامه

الف) کتابها

- آصف، محمدهاشم (رستم الحکما)، (۱۳۵۲)، رستم التواریخ، تصحیح محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.
- اعتصام الملک، میرزاخانلرخان، (۱۳۵۱)، سفرنامه، به کوشش منوچهر محمودی، تهران: چاپخانه فردوسی.
- اعتماد السلطنه، محمدحسنخان، (بی تا)، المآثر و الآثار، تهران: کتابخانه سنایی.
- اعتضاد السلطنه، علی قلی میرزا، (۱۳۷۰)، اکسیر التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن.
- بارتولد، و.و، (۱۳۶۶)، ترکستان نامه، ترکستان در عهد هجوم مغول، ج ۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران: آگاه، چ ۲.
- دنبلی، عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، مآثر سلطانی، به کوشش فیروز منصوری، تهران: اطلاعات.
- دروویل، گاسپار، (۱۳۷۰)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شبابویز، چ ۴.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، (۱۳۸۳)، مطلع السعدین و مجمع البحرین، ج ۲، دفتر ۲، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- روشنی، قدرت الله، (۱۳۴۷)، سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد، تهران: دانشگاه تهران.
- فراهانی، محمدصادق بن حسین (ادیب الممالک)، (۱۳۷۸)، دیوان کامل ادیب الممالک فراهانی، ج ۲، به تصحیح و اهتمام مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: فردوس.
- فلور، ویلم، (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در دوره قاجار، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.

پیش از قاجار، از نظر پایگاه اجتماعی داروغه از مردمان پایین رتبه و معمولی انتخاب می شد؛ مهم تر از آن اینکه فرامین عزل یا نصب داروغه ها را در بیشتر مواقع، مقامات ارشد حکومتی همچون شاه یا صدراعظم صادر نمی کردند بلکه در همان شهر یا ایالت، حاکم بومی این وظایف را انجام می داد. جایگاه و منزلت این منصب سنتی در دوره قاجار، تضعیف یافت؛ اما داروغه را می توان در بیشتر شهرها و ایالات ایران عصر قاجار مشاهده کرد. وی به همراه کلانتر و کدخدا و گاه زیر فرمان آنان یا دیگر مشاغل حکومتی وظایف خود را انجام می داد. از سوی دیگر، به علت ماهیت استبدادی و خودکامه بودن حکومت قاجار، داروغه نیز بسان سایر مناصب و مشاغل حکومتی، از احتمال فساد و تجاوز برکنار نبود و گاه خود، به جای اینکه عامل تامین نظم و امنیت باشد، به همدستی با سارقان و اخلاص در نظم عمومی متهم بود. این مسئله باعث بدبینی و ترس توده مردم عادی، از عملکرد و رفتار داروغه ها در شهرها می شد. در جامعه سنتی ایران داروغه ها می توانستند برای مردم عادی، نقشی مهم و مثبتی در شناسایی مجرمان و کشف جرایم ایفا کنند و نظم و امنیت حداقلی را برای آنان به ارمغان بیاورند. هرچند که به علت ماهیت کار و وظیفه و برخورد روزانه داروغه ها، با اصناف مختلف و مردم شهر می توان قضاوت های ضدونقیضی درباره آنان شنید. امروزه نیز در جامعه مدرن، فی المثل درباره پلیس شهر که عهده دار نظم و امنیت عمومی شهر است و در مقام مقایسه، وظایفی فراتر از یک داروغه عصر قاجار دارد، باز به علت همان ماهیت کارکردی و ارتباط تنگاتنگ با اصناف مختلف مردم، قضاوت های ضدونقیضی وجود دارد.

سازمان اسناد ملی ایران. منظور نویسنده از خط چین‌ها چک شود.

ب) اسناد

سازمان اسناد ملی ایران، اسناد دوره قاجار به شماره دستیابی:

۲۹۶/۱۷۲۰ - ۲۳۰/۳۴۸۴ - ۲۹۵۰۰۰۲۹۱ -

۲۹۵۰۰۶۸۵۵ - ۲۹۶۰۰۱۲۲۴ - ۲۹۶/۱۲۴۵ -

۲۹۶/۱۷۲۱ - ۲۹۶/۳۶۸۴ - ۲۹۶/۱۰۸۴۹ -

۲۹۶/۱۰۹۰۲ - ۲۹۵/۹۳۱ - ۲۹۵/۶۳۶۵ - ۲۹۶/۳۶۸۶ -

۲۹۶/۴۸۸۵ - ۲۹۶/۱۲۶۴۱ - ۲۹۵/۳۱۰ - ۲۹۶/۱۹۵۳۱ -

۲۹۵/۲۰۹۷ - ۲۹۶/۹۷۸۱ - ۲۹۶/۸۸۶۳ -

ج) روزنامه‌ها

- روزنامه وقایع اتفاقیه، (۱۳۷۳ و ۱۳۷۴)، تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۴ جلد سال‌های ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۵ق.

- روزنامه شرف، ش ۵۴، سال ۱۲۹۱ق.

- قآنی، حبیب‌الله بن محمدعلی، (۱۳۸۰)، دیوان قآنی، به تصحیح امیر صادقی (خوانساری)، تهران: نگاه.

- میرزاسمیعا، (۱۳۷۸)، تذکره‌الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقی با تعلیقات مینورسکی بر تذکره‌الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: امیرکبیر.

- لمبتون، آن.ک.س، (۱۳۸۵)، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.

- محمودمیرزا قاجار، (۱۳۴۶)، سفینه‌المحمود، ج ۲، تصحیح و تحشیه خیام‌پور، دانشگاه تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

- مراغه‌ای، زین‌العابدین، (۱۳۵۳)، سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ، حواشی و موخره باقر مومنی، تهران: اندیشه.

- هدایت، رضاقلی‌خان، (۱۳۷۳)، فهرس‌التواریخ، تصحیح و تحشیه عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- -----، (۱۳۸۰)، تاریخ روضه‌الصفای ناصری، ج ۱۰ و ۱۵، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.

- -----، (۱۳۷۷) گزارش‌های نظمیه از محلات تهران، راپورت وقایع مختلفه محلات دارالخلافه (۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ق)، ج ۱، به کوشش انیسه شیخ‌رضایی و شهلا آذری، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

- گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس از وقایع مناطق جنوب ایران، (۱۳۶۲)، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران: نوین.

- -----گزارش‌های اوضاع سیاسی و اجتماعی ولایات عهد ناصری، (۱۳۷۲)، به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران:

سند شماره ۱

تلگراف صدراعظم (امین السلطان) به ظل السلطان در خصوص تنبیه مهاجمان به داروغه یزد.

مخابرات دولتی سنه تخاقوی ئیل خط فارس به تاریخ سنه ۱۳۰۲ شهر شعبان المعظم.

از تهران به اصفهان.

حضور حضرت اشرف والا ظل السلطان دامت شوکتہ از قراری که به عرض رسیده است در یزد شش نفر در میدان خان که داروغه نشین است سه چهار تیر تفنگ رو به داروغه شهر خالی کرده اند که یکی نخورده است جز چند ساچمه به دست و پای داروغه رسیده است و مرتکبین را حبس کرده اند مقرر است حضرت والا در تنبیه آنها اهتمام فرمایید.

صدراعظم شب ۱۷ شهر شعبان المعظم

جواب

جناب مسطاب اجل اکرم افخم صدراعظم مدظله العالی تلگراف جنابعالی در مسئله داروغه یزد و حرکتی که از آن شش نفر به ظهور رسیده است ملاحظه شد حسب المرقوم تلگراف کردم که از مرتکبین تنبیه و تهدید سخت نمایند.

ظل السلطان ۱۹ شهر شعبان المعظم

سند شماره ۲

خط خراسان ربیع الاول بارض قدس طهران

در خصوص تلگراف سپهسالار به رکن الدوله حاکم خراسان درباره تنبیه داروغه تربت خدمت نواب اشرف والا رکن الدوله بعد از این خواهش دارم در این قبیل امور که به شما زحمت می دهیم بدون تاخیر انجام بدهید این داروغه تربت را فوری و کمال سرعت روانه نمایید و آدم همراه او فرموده نوعی توجه بفرمایید که در راهها عیبی و فرصت تاخیری نکرده مستقیماً خیلی زود به تهران برسد.

حسین

جواب

خدمت حضرت اجل اشرف افخم سپهسالار اعظم دام اقباله العالی، همان روز که حکم حضرت عالی در فرستادن و احضار داروغه تربت رسید فوراً فرستادم داروغه تربت را آوردند و حبس کردم از تلگراف هم عرض کردم حاضر است چگونه ممکن است در احکام و فرمایشات جنابعالی دقیقه مسامحه و رزم الان داروغه تربت را به پنج نفر غلام که محل وثوق و اطمینان بود سپردم معجلاً زود به دارالخلافه خدمت جنابعالی بیاورند.

رکن الدوله ۲۱

خط خراسان صفر بارض قدس طهران

بنواب اشرف والا فرمانفرمای خراسان داروغه تربت را بی‌تخلف بفرستید دارالخلافه حسین ۲۰
جواب خدمت حضرت اجل اشرف افخم اکرم سپهسالار اعظم دام اقباله‌العالی اینکه جواب تلگرافی که در باب داروغه
تربت فرموده‌اند تاخیر افتاد برای این بود که او را حاضر نموده بعد عرض نمایم فرستادم او را آوردند گویا ضعیفه که او
را پارسال در تربت داغ کرده‌اند تظلم نموده حکم به احضار او فرموده‌اند محمدحسن خان حاکم تربت تفضیل بجناب
نصیرالدوله نوشته و خواهش کرده است که همان کاغذ آورد با چاپار روانه خدمت جنابعالی نمایم اگر بعد از رسیدن
چاپار باز حکم احضار او را فرمودند روانه دارم در این صورت می‌فرمایید او را نگاهدارم تا چاپار برسد و کاغذ
محمدحسن خان را ملاحظه فرمایید می‌فرمایید حالا روانه دارم .

رکن‌الدوله ۱۸ ربیع‌الاول.